



نقش شکنندگی دولت در توسعه انسانی کشورهای توسعه یافته با روش

گشتاورهای تعمیم یافته طی دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۳

پوهنیار پرویز بهزاد رحیمی^۱، پوهنیار حشمت‌الله سارانی^۲، پوهنیار سید مسعود حبیبی^۳، پوهنمل احمد ضیاء نوری^۴، پوهنیار محمد رسول همتی^۵، نامزد پوهنیار محمد عظیم نورزاد^۶، نامزد پوهنیار منصور نعیمی^۷ و نامزد پوهنیار عبدالکبیر صادق^۸

اساتید رشته اقتصاد ملی^{۱،۴،۳،۱} و اداره تجارت^{۸،۶،۲} پوهنحی اقتصاد، پوهنتون فراه

ایمیل: pbehzadrahimi@gmail.com

چکیده

این مطالعه با هدف تجزیه و تحلیل پیوندهای پیچیده میان شکنندگی دولت و توسعه انسانی در ۳۶ کشور توسعه یافته، روش نوین در تحلیل‌های نهادی ارائه می‌دهد. برخلاف روش سنتی که شکنندگی را مختص جوامع در حال توسعه می‌داند، این تحقیق بر شناسایی چگونگی تأثیرگذاری ابعاد مختلف شکنندگی بر پویایی‌های توسعه انسانی در جوامع تمرکز دارد که از منظر ساختاری درگیر تفاوت ذاتی هستند. این تحقیق با استفاده از دیتا ترکیبی برای ۳۶ کشور در دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۳ و با به کارگیری روش گشتاورهای تعمیم یافته در نرم افزار استاتا انجام شده است. بعد از برآورد مدل پایه توسعه انسانی و افزودن شاخص کلی دولت شکننده و چهار زیرشاخص آن یعنی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و انسجام، پنج الگوی رگرسیونی برآورد گردیده است. نتایج نشان دهنده پایداری بالای توسعه انسانی است که نشان دهنده نقش زیرساخت‌های نهادی گذشته در ثبات جاری است. شاخص کلی شکنندگی و تمامی ابعاد آن تأثیر منفی و معنی داری بر توسعه انسانی دارند؛ به طوری که شاخص انسجام مخرب ترین اثر بازدارنده را نشان می‌دهد. از بعد متغیرهای نهادی، آزادی‌های مدنی و اقتصادی به عنوان محرک مثبت عمل می‌کنند. با این حال، متغیرهای اندازه دولت، نظام حقوقی و امنیت حقوق مالکیت و پول سالم به دلیل پدیده تصلب نهادی، رابطه‌ای معکوس با توسعه انسانی دارند. هم چنین، ضرایب منفی آزادی تجارت و جهانی شدن نشان می‌دهد که در حضور شکنندگی، باز بودن اقتصاد می‌تواند به قطعی شدن دستمزدها و فشار بر استانداردهای رفاهی و افزایش توسعه انسانی منجر شود. یافته‌های تحقیق چارچوب نوینی از پیوند حکمرانی و رفاه را ارائه می‌دهد. شکنندگی در کشورهای توسعه یافته نه به صورت فروپاشی بی‌درنگ بلکه در قالب یک فرسایش تدریجی عمل می‌کند. در این میان، بحران انسجام اجتماعی ناشی از شکاف‌های نسلی و چالش‌های ادغام، کلیدی ترین تهدید برای ثبات بلندمدت است، در حالی که آزادی‌های مدنی و رقابتی بودن بازارها به عنوان موتور اطمینان، اثرات مخرب شکنندگی را تعدیل می‌کنند.

کلمات کلیدی: توسعه انسانی، شکنندگی دولت، کشورهای توسعه، گشتاورهای تعمیم.



The Role of State Fragility in Human Development in Developed Countries: A Generalized Method of Moments (GMM) Analysis for the Period 2006–2023

Abstract

This study analyzes the complex linkages between state fragility and human development across 36 developed countries and proposes a novel approach to institutional analysis. Contrary to the conventional view that associates fragility primarily with developing societies, this research examines how different dimensions of fragility shape the dynamics of human development in structurally distinct advanced economies. The study employs panel data for 36 countries over the period 2006–2023 and applies the Generalized Method of Moments (GMM) estimation technique in Stata. After estimating a baseline human development model and incorporating the overall state fragility index and its four sub-dimensions—economic, political, social, and cohesion—five regression models are estimated. The results indicate a high degree of persistence in human development, underscoring the role of past institutional infrastructures in sustaining current stability. The overall fragility index and all its dimensions exert a negative and statistically significant effect on human development, with the cohesion dimension exhibiting the most detrimental and constraining impact. From an institutional perspective, civil liberties and economic freedom act as positive drivers of human development. By contrast, variables such as government size, the legal system and security of property rights, and sound money show an inverse relationship with human development, which can be attributed to institutional rigidity. Moreover, the negative coefficients for trade freedom and globalization suggest that, under conditions of fragility, economic openness may contribute to wage polarization and downward pressure on welfare standards, thereby undermining human development. Overall, the findings provide a novel framework for understanding the nexus between governance and welfare. In developed countries, fragility does not typically manifest as sudden collapse but rather unfolds through a gradual process of erosion. Within this context, the crisis of social cohesion—driven by generational divides and integration challenges—emerges as the most critical threat to long-term stability, while civil liberties and market competitiveness function as stabilizing forces that mitigate the adverse effects of fragility.

Keywords: Human Development, State Fragility, Developed Countries, Generalized Method of Moments (GMM).



۱- مقدمه

ناتوانی و شکنندگی دولت‌ها در ایفای نقش مؤثر برای منافع جمعیت آن، در طی دهه‌های گذشته مسئله قابل تشویش برای جامعه پوهنتونی و نهادهای کمک‌رسان بوده است (زیاجا^۲ و همکاران، ۲۰۱۹). چون این کشورها با مشکلات بسیار روبه‌رو هستند و این امر سبب عقب‌ماندگی این کشورها از لحاظ توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی شده‌اند. این مسئله باعث جلب توجه فزاینده کشورهای پیشرفته و سازمان‌های بین‌المللی مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و غیره، برای یافتن راه‌کارهای سازنده جهت بهبود شرایط در این گروه از کشورها گردیده است (کارمنت^۳ و همکاران، ۲۰۱۵؛ برینکراف^۴، ۲۰۱۴؛ گراوینگهولت^۵ و همکاران، ۲۰۱۵). کشورهای شکننده دارای خصوصیات متعددی هستند از جمله فاقد ظرفیت یا تمایل برای انجام وظایف اساسی خود شامل تأمین امنیت شهروندان، ارائه خدمات پایه (تعلیم و تربیه، صحت و زیرساخت)، مدیریت اقتصاد کلان است. علاوه بر آن، این دولت‌ها اغلب در چرخه‌ای از خشونت، فقر و بی‌ثباتی گرفتاراند (بانک جهانی^۶، ۲۰۲۰).

ایسترلی^۷ (۲۰۰۷) نشان می‌دهد که نابرابری ساختاری در سطوح پایین‌تر توسعه، به نهادهای ضعیف‌تر و توسعه‌نیافتگی کلی منجر می‌شود. به‌طور یکسان مگا^۸ (۲۰۱۷) فقر، بیکاری و تمرکز جغرافیایی که مستعد فقر است را به‌عنوان محرک‌های شکنندگی دولت‌ها معرفی می‌کند. با این حال، ادبیات مرتبط با شکنندگی دولت کاستی‌های دارد. نخست، بسیاری از مطالعات، شکنندگی دولت

² Ziaja

³ Carment

⁴ Brinkeroff

⁵ Grovingholt

⁶ World Bank

⁷ Easterly

⁸ Muggah



را به عنوان یک ساختار واحد در نظر می‌گیرند و تنها ابعاد خاصی از آن را بررسی می‌کند، در حالی که شکنندگی دولت یک موضوع چندبعدی است و تمام ابعاد آن می‌تواند مهم باشد (دیمیوتراووا و تریکی^۹؛ لمی-هربرت و ماتیو^{۱۰}، ۲۰۱۴؛ دوم، بیش تر مطالعات علمی موضوع، شکنندگی دولت را مرتبط به با کشورهای می‌دانند که شکنندگی طولانی و پایداری مانند درگیری و فقر را تجربه می‌کنند (کودیاندیکا و سیمپلیس^{۱۱}، ۲۰۰۶؛ مارشال و کول^{۱۲}، ۲۰۰۹). با این حال، نشانه‌های ظریف تر شکنندگی دولت در برخی کشورهای با درآمد متوسط و بالا نیز مشهود است. صندوق صلح (۲۰۱۸) اشاره می‌کند که مسائل شکنندگی تمام کشورها، از جمله کشورهای پیشرفته جهان را نیز می‌تواند که تحت تأثیر قرار بدهد. حتی کشورهایی که رشد اقتصادی چشمگیری دارند، نشانه‌های مختلفی شکنندگی، از فقدان انسجام اجتماعی گرفته تا نابرابری درآمدی و بحران مشروعیت سیاسی، در آن‌ها وجود دارد (صندوق صلح، ۲۰۱۸؛ هاگینز^{۱۳}، ۲۰۰۵؛ فوکودا-پار^{۱۴}، ۲۰۰۳). اما شکنندگی در این گروه از کشورها بیش تر به صورت فرسایش تدریجی^{۱۵} ظاهر می‌شود، نه فروپاشی ناگهانی.

هدف این مطالعه بررسی نقش شکنندگی دولت در توسعه انسانی کشورهای توسعه یافته است. این تحقیق با سه سؤال کلیدی هدایت می‌شود: (۱) نقش شکنندگی دولت بر توسعه انسانی چیست؟ (۲) نقش هر کدام از شاخص‌های شکنندگی دولت (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و انسجام) بر توسعه انسانی چگونه است؟ و (۳) سایر متغیرهای کنترل در توسعه انسانی چه نقش دارد؟

⁹ Dimitrova and Triki

¹⁰ Lemay- Herbert & Mathiew

¹¹ Kodila- Tedika & Simplic

¹² Marshall & Cole

¹³ Huggins

¹⁴ Fukuda & Parr

¹⁵ institutional erosion



۲. ادبیات تحقیق و مبانی نظری

۲-۱. مفهوم شکنندگی دولت

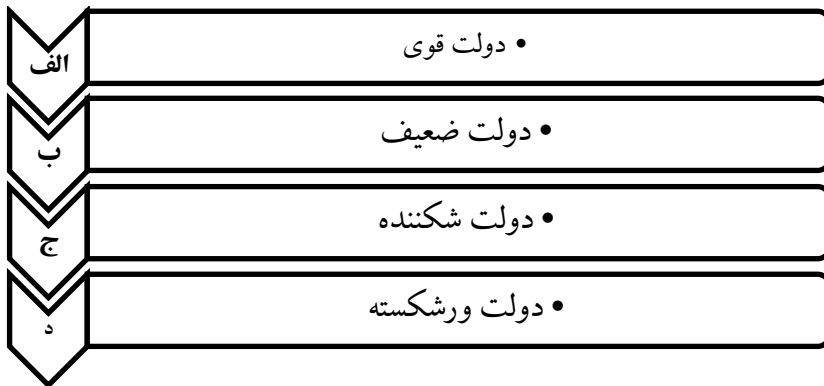
برای درک این مطلب که چه چیزی دولت را به عنوان بزرگ‌ترین نهاد نهادساز، تشکیل می‌دهد، راه را برای بحث درباره معنی یک دولت قوی در مقابل دولت ضعیف هموار می‌کند. دولت ضعیف پیش‌درآمدی یک دولت شکننده و ورشکسته است. دولت‌های قوی، دولت‌هایی باثبات هستند که پیوند بین دولت‌ها و شهروندان آن، کاملاً دست نخورده است. در مقابل، دولت‌های ضعیف ناپایدار هستند و دولت به‌سختی می‌تواند به نقش خود در رابطه با شهروندان عمل کند (و بر^{۱۶}، ۱۹۷۸). تاریخچه دولت‌های ورشکسته حاکی از آن است که این دولت‌ها هنوز یک مفهوم جدید و مورد مناقشه در گفتمان بین‌الملل است که اولین بار بعد از ختم جنگ سرد مطرح شد (گروس^{۱۷}، ۱۹۹۶: ۴۵۶). از آنجا که بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، نابسامانی‌ها، بحران‌های سیاسی و بحران‌های اقتصادی طولانی‌مدت در سراسر جهان را به‌عنوان یک نگرانی امنیتی در نظر گرفتند، تأکید فزاینده بر کشورهایی که مروج آن‌ها بودند، نام ورشکسته را بر آن‌ها گذاشتند. فصل مشترک این کشورها ناتوانی در برآوردن نیازهای اساسی شهروندان شان بود. از این جهت، مفهوم دولت‌های ورشکسته برای کمک به شناسایی کشورهایی که قادر به تأمین نیازهای شهروندان خود نبودند و تهدیدی برای امنیت محسوب می‌شدند، تدوین شد (دورف^{۱۸}، ۲۰۰۵). زمانی نگذشت که تعداد از پوهنتونی‌ها، روزنامه‌نگاران و اعضای مجامع گسترده‌تر سیاست‌گذاری و توسعه به کشورهای ورشکسته علاقه نشان دادند و این کلمه وارد فرهنگ لغت شد؛ اما امروزه، زنجیره توسعه دولت‌ها که در شکل زیر نشان داده شده است، مفهوم دولت ناکارا را به

¹⁶ Weber

¹⁷ Grose

¹⁸ Dorff

دولت‌های ضعیف، دولت‌های شکننده و دولت‌های ورشکسته تقسیم می‌کند. شدت درجه شکنندگی دولت‌ها در این زنجیره به ترتیب در حال افزایش است، یعنی دولت‌های ضعیف کم‌ترین و دولت‌های ورشکسته بیش‌ترین درجه شکنندگی را دارد. درحالی‌که، دولت‌های شکننده بین دولت‌های ضعیف و دولت‌های ورشکسته قرار می‌گیرد.



شکل ۱: تفاوت بین دولت و انواع مختلف آن از نظر درجه شکنندگی (لفستروم، ۲۰۲۲: ۱۴).

یکی از شاخص‌های نهادی که کیفیت دولت را اندازه‌گیری می‌کند، شاخص دولت شکننده می‌باشد (بوگه^{۱۹} و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۵). در این اواخر، این مفهوم به یکی از مفاهیم مهم سیاست در سطح بین‌الملل تبدیل شده است (عباس‌زاده فتح‌آبادی و منصور، ۱۳۹۸). این مفهوم همچنان به‌عنوان خطری جدی و قابل توجه برای جامعه بین‌المللی به گونه چشمگیر به گفتارها و نوشتارها درباره امنیت بین‌الملل راه یافت و به شکل فراگیر پذیرفته شد که امنیت در سطح جهانی نمی‌تواند بدون توجه به وضعیت کشورها و مناطق دیگر تأمین شود. آنچه باعث شده است تا این مفهوم پررنگ‌تر از گذشته در مطالعات امنیتی در این سال‌ها

¹⁹ Boege at all



خودنمایی کند، دگرگونه های ژرفی بوده که در محیط امنیتی بین الملل روی داده است (موسوی نیا، ۱۳۹۰).

بانک جهانی دولت های شکننده را دولت های تعریف می کند که فاقد ظرفیت یا تمایل برای انجام وظایف اساسی خود شامل تأمین امنیت شهروندان، ارائه خدمات پایه (تعلیم و تربیه، صحت و زیرساخت) و مدیریت اقتصاد کلان و حکمرانی خوب است. این دولت ها اغلب در چرخه ای از فقر و بی ثباتی گرفتارند (بانک جهانی، ۲۰۲۰). همچنان سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه دولت های شکننده را دولت های می داند که حاکمیت قانون در آن ضعیف است با چالش جدی مواجه است و در کنار آن این دولت ها توانایی جمع آوری مالیات یا توزیع منابع را ندارد. این امر باعث می شوند که شهروندان در این کشورها به جای دولت به شبکه های غیررسمی (قومی، نژادی و غیره) متکی می شوند (سازمان همکاری های اقتصادی، ۲۰۱۶). قسمی که ملاحظه می شود، دولت های شکننده بیش تر با خصوصیات مانند حکمرانی ضعیف، بی ثباتی نهادی، فساد، ارائه خدمات عمومی و غالباً درگیری های داخلی شناخته می شوند (مانیا و گوردون، ۲۰۱۵).

این تعاریف به نظر می رسد مختص کشورهای کم درآمد طراحی شده و ماهیت تقویت کننده متقابل برخی کارکردهای دولتی را نادیده می گیرند، به طوری که جداسازی و اصلاح هرگونه کاستی را دشوار می سازد. مفهوم پردازی های بهتر از شکنندگی دولت بایست ماهیت چندبعدی و پویای این پدیده را به رسمیت بشناسند. برای مقابله با این چالش، محققان از تعاریفی که بر شناسایی چند کارکردی حیاتی متمرکزند، فاصله گرفته و به سمت نگاهی حرکت کرده اند که دولت را به مثابه یک سیستم یکپارچه می بیند. چنین نگاهی کل نگر امکان



ارزیابی تطبیقی ظرفیت‌های دولتی در میان کشورها (نه تنها کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته) را فراهم می‌کند (آموروس و همکاران، ۲۰۱۹).

با توجه به تعاریف دولت‌های شکننده در فوق، دولت‌های شکننده با چالش‌های جدی توسعه روبه‌رو هستند. این چالش‌ها باعث می‌گردد تا اقتصاد در این گروه از کشورها به نتیجه مطلوبی آن دست نیابد. این عوامل از جمله دلایل است که دولت‌های شکننده را از نظر اقتصادی در ردیف دولت‌هایی قرار می‌دهند که اقتصادشان با حداقل توسعه همراه بوده و شاخص‌های آن از نظر توسعه در کم‌ترین حد ممکن قرار داشته باشند. این امر سبب می‌شود که این دولت‌ها کم‌ترین سهم را در اقتصاد جهانی داشته باشند؛ چون از یک طرف تولید، درآمد سرانه و رشد اقتصادی به علت سرمایه‌گذاری ناکافی در این کشورها در حد مطلوب آن قرار ندارد و از طرف دیگر متغیرهای چون سطح فقر، تورم، بیکاری و غیره در حد بالای آن، در این گروه از کشورها قرار دارند.

مؤسسه صلح^{۲۰} از سال ۲۰۰۶ هر ساله فهرستی آسیب‌پذیری کشورها را بر اساس شاخص دولت شکننده منتشر می‌کند. این فهرست یا رتبه‌بندی بر اساس مجموع نمرات ۱۲ نماگری است که در مقیاس ۰ تا ۱۰ نمره‌گذاری می‌شود. صفر کم‌ترین شدت (بائبات‌ترین) و ۱۰ بالاترین شدت (بی‌ثبات‌ترین) را نشان می‌دهد. مجموع این نماگرها شاخص دولت شکننده را تشکیل می‌دهد که بین ۰ تا ۱۲۰ تحول می‌کند.

همان‌طوری که در زیر مشاهده می‌گردد، نماگرهای تشکیل دهنده شاخص دولت شکننده به‌طور کلی در چهار دسته تقسیم می‌شوند (مؤسسه صلح، ۲۰۲۳، کرانی و همکاران، ۱۴۰۲). هر کدام از زیر شاخص‌های تشکیل دهنده شاخص دولت شکننده شامل سه نماگر قرار زیر:

²⁰ Fund For Peace (FFP)



الف- زیر شاخص انسجام^{۲۱} (ساختار امنیتی^{۲۲}، چنددستگی نخبگان^{۲۳} و اعتراضات گروهی^{۲۴}).

ب- زیر شاخص اقتصادی^{۲۵} (افول اقتصادی و فقر^{۲۶}، توسعه اقتصادی نامتوازن^{۲۷}، مهاجرت نیروی کار و فرار مغزها^{۲۸}).

ج- زیر شاخص سیاسی^{۲۹} (مشورعت حاکمیت^{۳۰}، خدمات عمومی^{۳۱} و حاکمیت قانون^{۳۲}).

د- زیر شاخص ترکیبی و اجتماعی^{۳۳} (مداخلات خارجی^{۳۴}، مهاجران و آوارگان درون مرزی^{۳۵}، فشار جمعیتی^{۳۶})، می‌باشند.

۲-۲. توسعه انسانی

توسعه انسانی^{۳۷} انسانی ریشه در فلسفه کهن و نظریه‌های اقتصادی اولیه دارد و اندیشمندانی همچون ار سطو^{۳۸} در این زمینه به این باور بود که «ثروت آشکارا، آن خیر مطلوب نیست که ما درصدد آن هستیم، چون تنها وسیله‌ای برای دستیابی به اهدافی دیگر است». این مفهوم هم‌چنین از آثار اندیشمندانی مانند آدم اسمیت و کارل مارکس^{۳۹} که به ظرفیت‌های انسانی توجه داشتند، الهام گرفته است. نظریه

²¹ Cohesion

²² Security apparatus (SA)

²³ Factionalized elites (FE)

²⁴ Group grievance (GG)

²⁵ Economic

²⁶ Economic decline (ED)

²⁷ Uneven economic development (UD)

²⁸ Human flight and brain drain (HF)

²⁹ Political

³⁰ State legitimacy (SL)

³¹ Public services (PS)

³² Human rights and rule of law (HR)

³³ Social

³⁴ External intervention (EI)

³⁵ Refugees and internally displaced people (RD)

³⁶ Demographic pressures (HR)

³⁷ Human development

³⁸ Aristotle

³⁹ Karl Marx



توسعه انسانی در دهه ۱۹۸۰ با کارهای آمارتیا سن^{۴۰} و دیدگاه «ظرفیت‌های انسانی» اهمیت بیش‌تری یافت، دیدگاهی که نقش مهم و کلیدی در دریافت جایزه نوبل اقتصادی سال ۱۹۹۸ برای او داشت. سن و سودیر آناند در سال ۲۰۰۰، این نظریه را توسعه دادند تا به مسائل پایداری بپردازند. شاخص توسعه انسانی که توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد توسعه یافته است، از این تحقیقات اولیه نشأت گرفته است. نخستین گزارش شاخص توسعه انسانی در سال ۱۹۹۰، توسط برنامه توسعه ملل متحد منتشر گردید که در حقیقت رویکرد جدیدی برای ارتقای رفاه انسانی بر اساس ابعاد سه‌گانه این شاخص می‌باشد.

توسعه انسانی در اصل، بر گسترش انتخاب‌های افراد برای داشتن زندگی‌ای که برایشان ارزشمند است و سبب بهبود شرایط انسانی به شیوه‌ای که افراد بتوانند زندگی کامل و با معنی را تجربه کنند، تمرکز دارد. از این جهت، توسعه انسانی فراتر از رشد اقتصادی و درآمد سرانه است. تا قبل از دهه ۱۹۷۰ توسعه اقتصادی برحسب درآمد سرانه با این پیش فرض که با بالا رفتن درآمد سرانه، وضع مردم در تمام جوانب بهبود خواهد یافت، ارزیابی می‌شد. با چنین شاخصی از توسعه، رشد اقتصادی به‌عنوان محور اساسی توسعه در نظر بود. این در حالی است که پیشرفت همه‌جانبه در عرصه‌های انسانی و اجتماعی را نمی‌توان تنها با ابزار درآمد سرانه سنجید، چون اصولاً زندگی، ابعادی گوناگون و فراگیرتر از درآمد سرانه دارد؛ بنابراین، در سال ۱۹۹۰، برنامه توسعه سازمان ملل، درآمد سرانه را به‌عنوان مقیاس ناکافی برای ارزیابی اثرات آن بر کیفیت زندگی افراد عنوان و تأکید کرده که تنها رشد اقتصادی مهم نیست، بلکه کیفیت توزیع و پایداری این رشد حائز اهمیت است (مظفرزاده، علیزاده و وزیری، ۱۳۹۱: ۴۵؛ برنامه توسعه سازمان ملل، ۱۹۹۰).

⁴⁰ Amartya Sen



از نظر آمارتیا سن، اجرای توسعه انسانی اثر مستقیم و غیرمستقیم بر توسعه جامعه بشری دارد. اثر مستقیم آن، از طریق افزایش سواد، صحت و امید به زندگی، بر کیفیت زندگی مردم اثر می‌گذارد، حتی اگر به توسعه اقتصادی و گسترش صنعت در کشور منجر نشود. اثر غیرمستقیم آن از طریق افزایش امکانات تعلم و تربیه و صحتی، توسعه اقتصادی و رشد صنعتی را تسهیل می‌کند، کارایی را بهبود می‌بخشد و تمامی این عوامل به نوبه خود در ارتقای کیفیت زندگی مردم مؤثر است. در این دیدگاه، شاخص توسعه انسانی سه مؤلفه اساسی را به طور متوسط اندازه‌گیری می‌کند. این سه مؤلفه شامل امید به زندگی در بدو تولد، نرخ باسوادی و درآمد سرانه هستند. هر یک از این مؤلفه‌ها می‌توانند میزان رفاه یک جامعه را در زندگی اجتماعی و اقتصادی توضیح دهد (طهماسبی، ۱۳۹۱: ۷). مؤلفه اول، متوسط طول عمر افراد یک جامعه را اندازه‌گیری می‌نماید. مؤلفه دوم، وضعیت تحصیلی افراد یک جامعه را می‌سنجد که این خود از روی دو شاخص دیگر به دست می‌آید. یکی نرخ باسوادی بزرگسالان و دیگری نسبت ترکیبی ثبت‌نام در مقاطع ابتدایی، متوسطه و عالی است. مؤلفه سوم، میزان متوسط برخورداری جوامع از منابع موردنیاز برای یک زندگی مناسب را اندازه‌گیری می‌نماید. برای اندازه‌گیری مؤلفه سوم از شاخص تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی برحسب برابری قدرت خرید^{۴۱} استفاده می‌شود که هم‌زمان قدرت خرید و درآمد را نشان می‌دهد (جین و همکاران^{۴۲}، ۲۰۱۹؛ گزارش توسعه انسانی، ۲۰۱۰: ۲۳۳).

با توجه به مسائل مطرح شده در فوق، می‌توان توسعه انسانی را گسترش توانمندی‌های انسانی، افزایش دامنه انتخاب‌ها، ارتقای آزادی و تحقق حقوق انسانی، تعریف کرد. به بیان ساده، توسعه انسانی متوجه رشد فکری و اجتماعی افراد از طریق تجربه‌اندوزی، مواجه با پدیده‌های زندگی و یادگیری مستمر است.

⁴¹ Purchasing power parity

⁴² Jain et al



اساس این گسترش، ساخت قابلیت‌های انسانی است، یعنی توسعه طیف از فعالیت‌هایی که افراد قادر به انجام آن‌ها هستند، می‌باشد. برنامه توسعه ملل متحد ۱۹۹۷ توسعه انسانی را چنین تعریف کرده است: «فرایند گسترش انتخاب‌های مردم، انتخاب‌هایی که به آن‌ها اجازه می‌دهد که زندگی طولانی و سالم داشته باشند، تحصیل کنند، از سطح زندگی شایسته‌ای برخوردار باشند، از آزادی سیاسی و سایر حقوق تضمین شده انسانی و عناصر گوناگون عزت نفس بهره‌مند شوند» (نگیون، ۲۰۱۵: ۱۱).

گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۱ «توسعه انسانی به معنی گسترش انتخاب‌های است که افراد برای داشتن زندگی‌ای ارزشمند در اختیار داشته و از آن بهره می‌برند»؛ بنابراین، توسعه انسانی معطوف به غنا بخشی به زندگی انسان‌ها، در تمام ابعاد است، چون انسان‌ها برای داشتن زندگی بهتر که مطلوب آن‌ها باشد، در کنار بُعدی اقتصاد و داشتن ثروت به غنا بخشی ابعاد دیگر زندگی نیز نیازمند می‌باشد. توسعه انسانی بر بهبود کیفیت زندگی افراد در جامعه تأکید دارد و این فرض را که رشد اقتصادی به‌طور خودکار منجر به سطح رفاه بیشتر و زندگی بهتر می‌شود را کنار می‌گذارد (گزارش توسعه انسانی، ۲۰۰۱).

به باور آکچای^{۴۳} گسترش انتخاب‌ها فقط از طریق ایجاد قابلیت‌های انسانی میسر است که خود با توسعه انسانی یعنی سلامت مطلوب، تغذیه مناسب، تحصیلات و امکان داشتن عمر طولانی تقویت می‌شوند. قابلیت‌های انسانی را می‌توان آزادی بنیادین انسان‌ها برای زیستن به شیوه‌های که برایشان ارزشمند است، تعریف کرد. از این منظر، رشد اقتصادی ابزاری برای توسعه انسانی تلقی می‌شود که هدف نهایی بوده نمی‌تواند (آکچای، ۲۰۰۶). توسعه انسانی دارای ابعاد مختلفی است که توجه به آن می‌تواند مسئله توسعه انسانی را روشن‌تر نماید.

⁴³ Akcay



۳-۲. شکنندگی دولت و توسعه انسانی

نظام معارف و صحی باکیفیت نیازمند تخصیص منابع کافی هستند، چون رشد مخارج صحی و تعلیم و تربیه دولت‌ها نقش کلیدی در بهبود شاخص توسعه انسانی دارند؛ اما در دولت‌های شکننده، تخصیص منابع به این بخش‌ها، ناکارآمد است (نوری نائینی، قاسمی و سادات کاظمی تربقان، ۱۳۹۵) و این امر سبب کاهش دسترسی به تعلیم و تربیه و خدمات صحی باکیفیت گردیده است. پس اثر شکنندگی دولت در خصوص حوزه معارف (مکاتب ضعیف، کمبود امکانات مناسب، مواد آموزشی و منابع صنفی) و بخش صحت (درمان ناکافی و ناامن)، امید به زندگی را کاهش داده و به طور مستقیم بر شاخص‌های توسعه انسانی تأثیر می‌گذارند. بر اساس گزارش برنامه توسعه سازمان ملل فروپاشی دولت پس از جنگ داخلی، در یمن، دسترسی به خدمات صحی را به سطح دهه ۱۹۵۰ بازگرداند و مرگ‌ومیر کودکان را به ۳۰۰ فیصد افزایش داد (برنامه توسعه سازمان ملل، ۲۰۲۱). علاوه بر آن، دولت‌های شکننده معمولاً فاقد مکانیسم‌های شفاف برای جلب مشارکت جامعه هستند. این امر، همکاری مردم در پروژه‌های توسعه مانند تعلیم و تربیه عمومی را کاهش می‌دهد که خود باعث کاهش توسعه انسانی می‌گردد (عابدیان، نعیمی و شکوهی فرد، ۱۳۹۷). مؤسسه صلح بیان می‌دارد که درگیرهای داخلی ناشی از شکنندگی دولت، تولید ناخالص داخلی سرانه را تا ۱۷/۵ فیصد کاهش می‌دهد و رشد سرمایه را متوقف کرده و باعث اثرگذاری بر توسعه انسانی می‌گردد.

در کنار تعلیم و تربیه و صحت ضعیف، نابرابری حقوقی و تبعیض در همه عرصه‌های زندگی در این گروه از کشورها به وضوح قابل مشاهده است که خود باعث افزایش فقر، نا عدالتی و تداوم آن گردیده است (آمات فورتیس^{۴۴} و

⁴⁴ Amate Fortes



همکاران، ۲۰۱۷؛ کول^{۴۵}، ۲۰۰۳). مطالعات متعددی بر تأثیر مثبت تعلیم و تربیه و صحت بر توسعه انسانی تأکید می کنند و اهمیت آن ها در کاهش فقر، بهبود استانداردهای زندگی و توسعه انسانی را نشان می دهند (گروتارت^{۴۶}، ۱۹۹۷). شکنندگی دولت در این کشور اکثراً با درگیری های داخلی، خشونت و ناامنی همراه است. این شرایط نه تنها زیرساخت های اقتصادی را نابود می کند، بلکه باعث آوارگی جمعیت و محرومیت از فرصت های توسعه می شود. عوامل فوق از یک طرف دسترسی به غذا و خدمات صحی را محدود کرده و توسعه انسانی را به عقب می راند و از طرف دیگر سرمایه گذاری در بخش های مولد را کاهش می دهد و چرخه فقر را تشدید می کند (هاشمی دیزجیو همکاران، ۱۴۰۱). بانک جهانی و صندوق بین المللی پول نیز بر مزایای بازارها در مبارزه با فقر و ارتقای سطح استانداردهای زندگی و افزایش سطح رفاه تأکید داشته اند.

۳. معادله رگرسیونی تحقیق

در این بخش، به منظور تجزیه و تحلیل بررسی نقش شکنندگی دولت بر توسعه انسانی در سطوح مختلف توسعه یافتگی، مدلی برای کشورهای توسعه یافته تصریح و برآورد می گردد. این الگوها با بهره گیری از داده های ترکیبی ۳۶ کشور، طی دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۳ مورد تحلیل قرار می گیرند. متغیرها، کشورها و دوره زمانی آن بر اساس در دسترسی بودن داده ها انتخاب شدند و به خاطر حفظ پیوستگی داده ها، داده های مفقوده به روش های اوسط هندسی^{۴۷} درون یابی شدند.

جریان مدل سازی بدین ترتیب است که ابتدا مدل پایه توسعه انسانی برای کشورهای توسعه یافته تدوین و محاسبه می شود؛ سپس در گام بعدی، شاخص کلی شکنندگی دولت و چهار زیرمجموعه اصلی آن به مدل پایه افزوده می شوند.

⁴⁵ Cole

⁴⁶ Grootaert

⁴⁷ اوسط هندسی یکی از شیوه های مناسب برای برآورد داده های گمشده در سری های زمانی اقتصادی به شمار می رود، زیرا تغییرات نسبی و روند رشد متغیرها را نسبت به روش اوسط حسابی و سایر روش ها بهتر منعکس می کند.

درنهایت، با هدف دستیابی به نتایجی جامع، پنج مدل توسعه انسانی برای کشورهای توسعه‌یافته تبیین می‌گردد. بر این اساس، در ابتدا مدل نهایی توسعه انسانی به صورت زیر تصریح می‌شود:

$$HDI_{it} = HDI_{it-1} + \beta_1 Fragility_{it} + \beta_2 X_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که در آن:

HDI_{it} شاخص توسعه انسانی

HDI_{it-1} وقفه اول شاخص توسعه انسانی

$Fragility_{it}$ بردار شاخص‌های شکنندگی

X_{it} متغیرهای کنترل

ε_{it} : جز اخلاص

با توجه با مدل کلی فوق، مدل پایه توسعه انسانی برای کشورهای توسعه‌یافته به صورت زیر تصریح می‌شود:

(۲)

$$HDI_{it} = \alpha HDI_{it-1} + \beta_1 CL_{it} + \beta_2 EFI_{it} + \beta_3 SG_{it} + \beta_4 LSPR_{it} + \beta_5 SM_{it} + \beta_6 FTI_{it} + \beta_7 KOFG_{it} + \beta_8 KOFEC_{it} + \beta_9 KOFSO_{it} + \beta_{10} KOFPO_{it} + u_{it}$$

که در آن، منظور از i بُعد مکان (کشورها) و t بُعد زمان (سال) است. متغیر وابسته (HDI_{it}) شاخص توسعه انسانی است. متغیرهای مستقل شامل (CL_{it}) آزادی مدنی، (EFI_{it}) آزادی اقتصادی، (SG_{it}) اندازه دولت، ($LSPR_{it}$) نظام حقوقی و امنیت حقوق مالکیت، (SM_{it}) ثبات پولی یا پول سالم، (FTI_{it}) آزادی تجارت بین‌الملل، ($KOFG_{it}$) شاخص کل جهانی شدن، ($KOFEC_{it}$) جهانی شدن اقتصادی، ($KOFSO_{it}$) جهانی شدن اجتماعی و ($KOFPO_{it}$) جهانی شدن سیاسی می‌باشند. برای داشتن تصویر بهتر از متغیرهای فوق، معلومات مربوط به این متغیرها در جدول (۳) به صورت خلاصه تعریف شده است.



۴. روش‌شناسی و داده‌های تحقیق

احصائیه‌های متغیرهای فوق به‌عنوان متغیرهای این تحقیق از احصائیه‌های منتشر شده از منابع رسمی چون بانک جهانی^{۴۸}، مؤسسه صلح^{۴۹}، خانه آزادی^{۵۰}، مؤسسه فریزر^{۵۱} و بنیاد هریتیج^{۵۲} جمع‌آوری گردیده است. از آنجایی که احصائیه شاخص دولت شکننده از سال‌های ۲۰۰۶ الی ۲۰۲۳ در دسترس است، همین دوره مبنای مطالعه این تحقیق می‌باشد. به‌منظور بررسی نقش شکنندگی دولت بر توسعه انسانی از روش گشتاورهای تعمیم یافته^{۵۳} و نرم‌افزار استاتا^{۵۴} استفاده شده است. در تحقیق حاضر، برای بررسی کیفیت نهادی از شاخص نهادی یعنی شاخص دولت شکننده که توسط مؤسسه صلح از سال ۲۰۰۶ هر ساله برای ۱۷۸ کشور دنیا سنجش و گزارش آن منتشر می‌شود، بهره گرفته شده است. این شاخص نهادی فشارها و ظرفیت‌های مربوط به ثبات را در این کشورها اندازه‌گیری می‌کند. مؤسسه صلح برای این منظور شاخص‌های فوق را در ۱۲ گروه با این رویکرد: سه شاخص انسجام (ساختار امنیتی، چنددستگی نخبگان و اعتراضات گروهی)، سه شاخص اقتصادی (افول اقتصادی و فقر، توسعه اقتصادی نامتوازن، مهاجرت نیروی کار و فرار مغزها)، سه شاخص سیاسی (مشروعیت حاکمیت، خدمات عمومی و حاکمیت قانون) و سه شاخص ترکیبی و اجتماعی (مداخلات خارجی، مهاجران و آوارگان داخلی، فشار جمعیتی)، طبقه‌بندی می‌کند.

هرکدام از این ۱۲ نماگر، دارای نمراتی بین صفر تا ۱۰ است که مجموع این نمرات به‌عنوان درجه شکنندگی کشور در نظر گرفته می‌شود. عدد صفر نشان‌دهنده

⁴⁸ World bank

⁴⁹ Fund for peace

⁵⁰ Freedom House

⁵¹ Fraser Institute

⁵² The Heritage Foundation

⁵³ Generalized Method of Moments

⁵⁴ Stata



کم‌ترین درجه شکنندگی (بیش‌ترین ثبات) و عدد ۱۰ به‌عنوان بالاترین درجه شکنندگی (کم‌ترین ثبات) است. مجموع نمرات عددی بین ۱۲ تا ۱۲۰ خواهد بود، یعنی نمره ۱۲۰ در واقع بدترین وضعیت متصور است. هرچه نمره به‌دست آمده کم‌تر از ۱۲۰ باشد، دولت از ثبات بالاتری برخوردار است. کشورها بر اساس امتیاز نهایی در هر دسته از شاخص‌های مذکور، در یکی از حالت‌های زیر طبقه‌بندی می‌شوند: بسیار پایدار^{۵۵}، پایدار^{۵۶}، بسیار باثبات^{۵۷}، باثبات بالا^{۵۸}، باثبات^{۵۹}، وضعیت هشدار^{۶۰}، هشدار شدید^{۶۱}، هشدار بسیار شدید^{۶۲}، وضعیت اختار^{۶۳}، اختار شدید^{۶۴} و اختار بسیار شدید^{۶۵}.

مؤسسه خانه آزادی^{۶۶} یک سازمان غیردولتی (NGO) مستقر در واشینگتن دی. سی است که به‌طور رسمی در سال ۱۹۴۱ تأسیس و در زمینه تحقیق و حمایت از آزادی‌های حقوق سیاسی و آزادی مدنی فعالیت می‌کند. این شاخص برای اولین بار در سال ۱۹۷۲ توسط ریموند گاستیل^{۶۷} طراحی و منتشر شد. هدف اصلی این شاخص، نظارت بر وضعیت آزادی‌های حقوق سیاسی^{۶۸} و آزادی مدنی^{۶۹} در سراسر جهان است. امتیاز هر زیر شاخص عدد بین ۱ تا ۷ می‌باشد که هرچه به یک نزدیکتر باشد، آزادی سیاسی بیش‌تر در آن کشور را نشان می‌دهد. طبقه‌بندی

⁵⁵ Very Sustainable

⁵⁶ Sustainable

⁵⁷ Very Stable

⁵⁸ More Stable

⁵⁹ Stable

⁶⁰ Warning

⁶¹ Elevated Warning

⁶² High Warning

⁶³ Alert

⁶⁴ High Alert

⁶⁵ Very High Alert

⁶⁶ Freedom House

⁶⁷ Raymond Gastii

⁶⁸ Political Rights

⁶⁹ Civil Liberties



وضعیت کشورها بر اساس امتیاز نهادی به سه دسته یعنی آزاد^{۷۰} (۱ و ۲)، نسبتاً آزادی^{۷۱} (۳، ۴ و ۵) و غیرآزاد^{۷۲} (۶ و ۷) قابل تقسیم هستند (خانه آزادی، ۲۰۲۴ و گاستیل، ۱۹۹۱). در این مطالعه برای همسو شدن نتایج تحقیق از معکوس این شاخص بهره گرفته شده است.

در بُعد آزادی اقتصادی شاخص های رایج و معتبر بین المللی هریتیج و فریزر در دسترس هستند. در تحقیق حاضر از شاخص فریزر استفاده شده که اطلاعات آن از سال ۱۹۷۰ در دسترس است. شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر که در سال ۱۹۷۴ تأسیس شد، معتبرترین ابزار برای سنجش تجربی میزان حمایت نهادها از استقلال اقتصادی افراد است. این شاخص در پنج حوزه کلیدی شامل اندازه دولت، حاکمیت قانون، دسترسی به پول قوی، آزادی تجارت بین المللی و مقررات بازار، عملکرد کشورها را در دوره ای بین ۰ تا ۱۰ ارزیابی می کند. هدف بنیادین این گزارش، اثبات پیوند مستقیم میان آزادی بازار و رفاه انسانی است، به طوری که داده ها نشان می دهند کشورهای دارای رتبه بالا، به مرور زمان رشد اقتصادی و درآمد سرانه به مراتب بیشتری را تجربه می کنند. این شاخص به دلیل تکیه بر متغیرهای عینی و حذف سوگیری های سیاسی، به مرجعی جهانی برای تحلیل گران جهت درک کیفیت نهادهای اقتصادی تبدیل شده است (مؤسسه فریزر، ۲۰۲۴؛ گوارتنی^{۷۳} و همکاران، ۲۰۲۴؛ مؤسسه اقتصاد و صلح^{۷۴}، ۲۰۲۴ و استاتیستا^{۷۵}، ۲۰۲۴).

⁷⁰ Free

⁷¹ Partly Free

⁷² Not Free

⁷³ Gwartney

⁷⁴ Institute for Economics and Peace

⁷⁵ Statista



شاخص جهانی شدن^{۷۶} که توسط مؤسسه اقتصادی کوف در پوهنتون پولیخنیک زوریخ^{۷۷} ارائه می‌شود، یکی از جامع‌ترین و معتبرترین ابزارها برای سنجش میزان ادغام کشورها در فضای بین‌المللی است. این شاخص برخلاف نگاه‌های سنتی که جهانی شدن را صرفاً در ابعاد اقتصادی خلاصه می‌کردند، این پدیده را به صورت یک مفهوم چندبعدی (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) تعریف می‌کند. این شاخص برای اولین بار در سال ۲۰۰۲ توسط اکسل دریه^{۷۸} طراحی شد. هدف اصلی آن، کمی‌سازی پدیده‌ای بود که تا پیش از آن بیش‌تر به صورت کیفی توصیف می‌شد. شاخص کوف از سه شاخص اصلی یعنی جهانی شدن اقتصادی^{۷۹}، جهانی شدن اجتماعی^{۸۰} و جهانی شدن سیاسی^{۸۱} تشکیل شده است. نمره این شاخص بین ۰ تا ۱۰۰ متغیر است. نمره ۱۰۰ نشان‌دهنده کشوری است که به طور کامل در بازارهای جهانی، فضای سیاسی بین‌الملل و تبادلات اجتماعی ادغام شده است (گیگلی^{۸۲} و همکاران، ۲۰۱۹؛ ساوینا^{۸۳} و همکاران، ۲۰۲۳ و کوف، ۲۰۲۴).

تعریف دقیق متغیرها به منظور همسوسازی مفاهیم نظری با شاخص‌های اندازه‌گیری و جلوگیری از برداشت‌های سلیقه‌ای، امری اجتناب‌ناپذیر است. این جریان علاوه بر ارتقای انسجام روش‌شناختی، بستری استاندارد برای تفسیر صحیح یافته‌ها فراهم می‌آورد. با هدف تسهیل در شناخت دقیق عملیاتی و ساختاری این مفاهیم، متغیرهای تحقیق در جدول زیر تعریف شده است.

⁷⁶ KOF Globalization Index

⁷⁷ Eidgenossische Technische Hochschule Zurich

⁷⁸ Axel Dreher

⁷⁹ Economic Globalization

⁸⁰ Social Globalization

⁸¹ Political Globalization

⁸² Gygli

⁸³ Savina



جدول ۱: معلومات مربوط به متغیرهای تحقیق

منبع	تعریف	متغیر
مؤسسه صلح	شاخص دولت شکنندگی شامل مجموع ۱۲ زیر شاخص آن است. شاخص های اقتصادی دولت شکننده شامل افول اقتصادی و فقر، توسعه اقتصادی نامتوازن و مهاجرت نیروی انسانی و فرار مغزها است.	FSI
مؤسسه صلح	شاخص های سیاسی دولت شکننده شامل مشروعیت حاکمیت، خدمات عمومی و حاکمیت قانون است.	ECSEI
مؤسسه صلح	شاخص های اجتماعی دولت شکننده شامل مداخلات خارجی، مهاجران و آوارگان داخلی و فشار جمعیتی است.	SOSI
مؤسسه صلح	شاخص های انسجام دولت شکننده شامل ساختار امنیتی، چنددستگی نخبگان و اعتراضات گروهی است.	COSI
رپوچی و اسلیپوویتز ^{۸۴} ۲۰۲۲	حقوق سیاسی، به توانایی افراد برای مشارکت آزادانه در فرآیند سیاسی اشاره دارد.	CL
میلر و همکاران ^{۸۵} ۲۰۲۴	شاخص آزادی اقتصاد که میزان استقلال افراد در یک جامعه برای انجام فعالیت های اقتصادی را ارزیابی می کند. این شاخص آزادی را بر اساس حاکمیت قانون، اندازه دولت، کارایی مقررات و بازارهای بازتعریف می کند.	EFI
بنیاد هریتیج ۲۰۲۴	شاخص اندازه دولت بار مالیاتی و سطح هزینه های دولتی را می سنجد.	SG
بنیاد هریتیج ۲۰۲۴	نظام حقوقی و امنیت حقوق مالکیت، بر توانایی افراد برای انباشت دارایی های خصوصی که توسط قوانین عادلانه و مؤثر محافظت می شوند را نشان می دهد.	LSPR
بنیاد هریتیج ۲۰۲۴	ثبات پولی یا پول سالم، کنترل تورم و ثبات قیمت ها را اندازه گیری می کند.	SM
میلر و همکاران ^{۸۶} ۲۰۲۴	آزادی تجارت بین الملل، موانع تعرفه ای که بر صادرات و واردات کالاها و خدمات تأثیر می گذارند را اندازه گیری می کند.	FTI

⁸⁴ Pepucci & Slipowitz

⁸⁵ Miller & et al

⁸⁶ Miller & et al



دريهر ۸۷ (۲۰۰۶)	جهانی شدن عبارت از فرآیند است که مرزهای جغرافیایی را کمرنگ کرده، فاصله‌ها را کاهش داده و باعث ادغام و وابستگی متقابل اقتصادها، جوامع و سیاست‌ها در جهان می‌گردد.	KOFG
گیگلی و همکاران ۲۰۱۹	جهانی شدن اقتصاد، شاخص جریان‌های واقعی کالا خدمات و سرمایه و همچنین محدودیت‌ها و قوانین تسهیل‌کننده نظیر تعرفه‌ها و توافق‌نامه‌های تجاری می‌باشد.	KOFEC
کوف ۸۸ (۲۰۲۴)	جهانی شدن اجتماعی میزان گسترش ایده‌ها، اطلاعات، فرهنگ و افراد را در سراسر جهان می‌سنجد و دارای سه بخش اصلی مانند ارتباطات شخصی، جریان اطلاعاتی و قرابت فرهنگی می‌باشند.	KOFSO
دريهر ۲۰۰۶	جهانی شدن سیاسی نمایانگر میزان ادغام یک کشور در سیاست‌های جهانی و نهادهای دیپلماتیک است که متغیرهایی نظیر تعداد سفارت‌خانه‌ها، عضویت در سازمان‌های جهانی و امضای معاهدات چندجانبه را شامل می‌شوند.	KOFPO
گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۴	شاخص ترکیبی که اوسط دستاوردها را در سه بُعد اساسی از توسعه انسانی اندازه‌گیری می‌کند: زندگی طولانی و سالم، دانش (آموزش علم) و سطح زندگی شایسته (درآمد سرانه).	HDI

جدول زیر فهرست کشورهایی را ارائه می‌نماید که به منظور بررسی نقش شکنندگی دولت بر توسعه انسانی در نمونه تحقیق گنجانیده شده‌اند. انتخاب کشورها بر اساس چارچوب نظری تحقیق و محدودیت‌های مربوط به دسترسی به داده‌های معتبر صورت گرفته است. این ترکیب نمونه، ناهمسانی معنی‌داری در سطوح شکنندگی دولت و شاخص توسعه انسانی ایجاد نموده و زمینه را برای برآوردهای قابل اتکا بین کشوری در چارچوب تحلیل‌های داده‌های تابلویی فراهم می‌سازد.

87 Dreher

88 KOF Swiss Economic Institute



جدول ۲: کشورهای نمونه در تحقیق

نام انگلیسی	نام فارسی	ردیف	نام انگلیسی	نام فارسی	ردیف
Ireland	ایرلند	۱۹	United States	ایالات متحده آمریکا	۱
Italy	ایتالیا	۲۰	Canada	کانادا	۲
Latvia	لاتویا	۲۱	Japan	جاپان	۳
Lithuania	لیتوانیا	۲۲	Australia	آسترالیا	۴
Luxembourg	لوکزامبورگ	۲۳	New Zealand	نیوزیلند	۵
Malta	مالت	۲۴	Austria	اتریش	۶
Netherlands	هالند	۲۵	Belgium	بلجیم	۷
Poland	پولند	۲۶	Bulgaria	بلغاریا	۸
Portugal	پرتگال	۲۷	Croatia	کروسیا	۹
Romania	رومانی	۲۸	Cyprus	قبرس	۱۰
Slovakia	سلواکیا	۲۹	Czechia	جمهوری چک	۱۱
Slovenia	سلونیا	۳۰	Denmark	دنمارک	۱۲
Spain	اسپانیا	۳۱	Estonia	استونیا	۱۳
Sweden	سویدن	۳۲	Finland	فنلند	۱۴
Iceland	آیسلند	۳۳	France	فرانسه	۱۵
Norway	ناروی	۳۴	Germany	آلمان	۱۶
Switzerland	سوئیس	۳۵	Greece	یونان	۱۷
United Kingdom	بریتانیا	۳۶	Hungary	مجارستان	۱۸

منبع: سازمان ملل متحد، ۲۰۲۴.

۵. برآورد و تحلیل نتایج تحقیق

۵-۱. آزمون‌های ریشه واحد

در این تحقیق از آزمون ریشه واحد داده‌های تابلویی لوین، لین و چو^{۸۹} (LLC) و ایم، پسران و شین^{۹۰} (IPS) برای کشورهای توسعه یافته، در حالت عرض از مبدأ و عرض از مبدأ و روند استفاده می‌شود. نتایج آزمون‌های فوق در جدول (۴) نشان

^{۸۹} Levin, Lin & Chu

^{۹۰} Im, Pesaran & Shin



داده شده است. بر اساس مقادیر که در جدول مشاهده می شود، در صورتی که مقادیر لوین، لین و چو و ایم، پسران و شین در ناحیه معنی داری قرار نداشته باشد، فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد (ناپایا) را نمی توان رد کرد و سری موردنظر ناپایا خواهد بود. آزمون ریشه واحد تمام متغیرهای تحقیق یعنی شاخص توسعه انسانی، شاخص دولت شکننده، شاخص انسجام دولت، شاخص اقتصادی دولت، شاخص سیاسی دولت، شاخص اجتماعی دولت، آزادی سیاسی، شاخص آزادی اقتصادی، اندازه دولت، نظام حقوقی و امنیت حقوق مالکیت، ثبات پولی یا پول سالم، آزادی تجارت بین الملل، شاخص کلی جهانی شدن، شاخص اقتصادی جهانی شدن، شاخص اجتماعی جهانی شدن و شاخص سیاسی جهانی شدن برای کشورهای توسعه یافته شامل^{۹۱} نمونه در سطح پایا هستند و ریشه واحد ندارند. با نگاه عمیق تر به نتایج جدول آزمون ریشه های واحد لوین، لین و چو (LLC) و ایم، پسران و شین (IPS) می توان به این نتیجه رسید که نتایج این آزمون ها برای اغلب متغیرها در سطح ۱ فیصد، برخی در سطح ۵ فیصد و برخی دیگر در سطح ۱۰ فیصد معنی دار هستند و فرضیه صفر مبنی وجود ریشه واحد را نمی توان قبول کرد که نشان دهنده پایا بودن متغیرهاست. همان طوری که قبلاً بیان گردید، هدف اصلی این تحقیق بررسی نقش شکنندگی دولت بر توسعه انسانی می باشند. برای رسیدن به این هدف، سعی می شود تا فرضیه های این تحقیق مورد آزمون احصائیوی قرار گرفته و در نهایت با توجه به شواهد تجربی به سؤالات تحقیق جواب مناسب و علمی ارائه گردد.

جدول 3 : آزمون های ریشه واحد متغیرهای تحقیق

^{۹۱} نمونه مورد مطالعه در این تحقیق شامل ۳۶ کشور توسعه یافته است که بر اساس طبقه بندی ارائه شده در گزارش وضعیت و چشم انداز اقتصاد جهانی ۲۰۲۴ منتشر شده توسط دیپارتمنت امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، انتخاب گردیده اند. در این گزارش کشورهای جهان بر اساس سطح توسعه اقتصادی، ساختار اقتصادی، رشد تولید ناخالص داخلی واقعی (معیار بهره گیری شده در این تحقیق)، درجه صنعتی شدن و شاخص های اقتصاد کلان به سه گروه اصلی شامل کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته طبقه بندی می شوند.



بلوک کشورهای توسعه یافته				آزمون
ایم، پسران و شین		لیون، لین و چو		متغیر
Im- Pesaran- Shin		Levin- Lin- Chu		
T	C	T	C	
-۳/۶۸***	۱/۰۴	-۵/۵۵***	۴/۸۸***	HDI
-۲/۱۸**	۰/۵۱	۰/۱۷	-۱/۰۴	FSI
-۰/۱۰	-۲/۹۱***	-۷/۹۳***	-۳/۸۹***	COSI
-۳/۱۸**	۰/۲۰	-۰/۰۶	-۲/۵۲**	ECSI
-۳/۰۶***	۱/۵۳	-۴/۰۲***	-۰/۳۸	SESI
۰/۱۷	-۴/۳۶***	-۵/۱۲***	-۶/۳۸***	SOSI
-۱/۹۱**	۱/۰۲	-۱/۳۷*	۰/۰۸	CL
۳/۳۱	-۱/۴۲**	-۰/۴۴	-۲/۰۳***	EFI
-۵/۷۹***	-۴/۳۵***	-۸/۶۱***	-۵/۵۱***	SG
-۵/۱۵***	-۳/۸۰***	-۹/۹۶***	-۶/۳۴***	LSPR
-۳/۸۱***	۳/۵۵	۶/۲۵	-۳/۸۳***	SM
-۳/۶۵***	-۳/۴۷***	-۶/۹۲***	-۴/۸۸***	FTI
-۵/۰۳***	-۴/۹۹***	-۹/۲۶***	-۷/۲۸***	KOFG
-۵/۱۶***	۰/۹۷	-۷/۳۶***	-۱/۴۲***	KOFEC
-۷/۸۶***	-۹/۸۷***	-۹/۹۵***	-۱۸/۲۶***	KOFSO



توضیح: **، * و ° به ترتیب معنی داری در سطح ۰.۱، ۰.۵ و ۱۰ فیصد را نشان می دهد و همچنان C حالت عرض از مبدأ و T حالت عرض از مبدأ و روند است.
منبع: یافته های تحقیق

۲-۵. مدل پایه تحقیق

در این بخش، به منظور تجزیه و تحلیل بررسی نقش شکنندگی دولت بر توسعه انسانی در سطح توسعه یافتگی، مدل کشورهای توسعه یافته بر اساس مدل تصریح شده (۱) و محاسبه می گردد. همان گونه که در بخش داده های تحقیق تشریح شد، این الگوها با استفاده از ارقام ترکیبی مربوط به ۳۶ کشور توسعه یافته، طی دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۳ مورد تحلیل قرار گرفته است.

قسمی که قبلاً نیز به آن اشاره شده، جریان مدل سازی بدین ترتیب است که ابتدا مدل پایه توسعه انسانی برای کشورهای توسعه تدوین و برآورد می شود؛ در گام بعدی، شاخص کلی شکنندگی دولت و چهار زیر شاخص اصلی آن به مدل های پایه افزوده می شوند. در نهایت، با هدف دستیابی به نتایج جامع، پنج مدل توسعه انسانی برای هر سطح از توسعه یافتگی کشورهای توسعه یافته تبیین می گردد. نتایج مدل تصریح شده شماره (۲) برای کشورهای توسعه یافته در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۵: نتایج برآورد مدل پایه توسعه انسانی کشورهای توسعه یافته

متغیرها	ضرایب
$HDI_{i,t-1}$	۰/۸۷۰۳۳*** (۰/۰۱۰۶۰)
CL	۰/۰۰۱۹۱۲*** (۰/۰۰۰۷۴۲)
EFI	۰/۸۷۰۳۳*** (۰/۰۱۰۶۰)



-0.01474**	SG
(0.000663)	
-0.0006275***	LSPR
(0.00138)	
-0.003211***	SM
(0.00060)	
-0.00298***	FTI
(0.00090)	
0.04025***	KOFG
(0.01246)	
0.01374***	KOFEC
(0.00416)	
0.0135***	KOFSO
(0.00414)	
0.01350***	KOFPO
(0.00415)	

معیارهای تشخیص مدل

-4/5538***	AR (1)	آزمون همبستگی سریالی آرانو- باند
-1/4314	AR (2)	
31/7836	مقدار آماره	آزمون هانسن
0/345	سطح احتمال	
36		تعداد کشورها
504		تعداد مشاهدات

توضیح: **، * و ° به ترتیب معنی داری در سطح ۱، ۵ و ۱۰ فیصد را نشان می دهند و اعداد داخل قوس نشان دهنده انحراف معیار است.

منبع: یافته های تحقیق

همان گونه که در نتایج حاصل از تخمین مدل به روش گشتاورهای تعمیم یافته دومرحله ای (S-GMM2) مشاهده می شود، وقفه اول شاخص توسعه انسانی در مدل پایه کشورهای توسعه یافته، از سطح معنی داری بالایی برخوردار است که نشان دهنده پایداری زمانی و قدرت تبیین کنندگی بالای مدل است. علاوه بر این، متغیر آزادی مدنی (به عنوان یکی از ارکان آزادی سیاسی) تأثیر مثبت و معنی داری



بر توسعه انسانی دارد؛ بدین معنی که در دوره زمانی مورد مطالعه، گسترش آزادی های مدنی در کشورهای توسعه یافته، محرک ارتقای کیفیت زندگی و شاخص های توسعه انسانی بوده است.

اگرچه شاخص کلی آزادی اقتصادی بر توسعه انسانی اثر مثبت دارد، اما تجزیه و تحلیل زیرشاخص های آن نتایج تأمل برانگیزی را نشان می دهد: متغیرهایی نظیر اندازه دولت، نظام حقوقی و امنیت مالکیت، پول سالم و تجارت آزاد بین المللی نقش بازدارنده ای در ارتقای توسعه انسانی این کشورها ایفا کرده اند. تحلیل این پارادوکس نهادی را می توان چنین تبیین کرد: یافته های تحقیق، بیانگر صورت بندی نوینی در اقتصاد سیاسی کشورهای پیشرفته است. در حالی که تمامی ابعاد جهانی شدن (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) دارای ضرایب مثبت و معنی دار هستند، برخی از زیرشاخص های آزادی اقتصادی مسیری واگرا را طی می کنند. این تضاد را می توان در چارچوب نظری تطابق نهادی^{۹۲} تبیین کرد؛ رویکردی که معتقد است موفقیت در عرصه جهانی نیازمند یک دولت رفاه مقتدر در سطح داخلی است (هال و ساسکایس، ۲۰۰۱).

در این کشورها، مثبت بودن ضرایب جهانی شدن نشان دهنده بهره گیری هوشمندانه از برون گرایی برای جذب علم، سرمایه و تقویت همسویی بین المللی است. ضریب شاخص عمومی جهانی شدن (۰/۰۴۰۲۵) گویای آن است که ادغام در نظم جهانی، ظرفیت های ساختاری این جوامع را بهبود بخشیده است؛ یافته ای که با نظریه دریه (۲۰۰۶) دایر بر نقش بازسازی کننده جهانی شدن در نهادهای رفاهی همخوانی دارد.

با این حال، اثر منفی زیرشاخص هایی همچون اندازه دولت و نظام حقوقی و امنیت مالکیت، هشدار نسبت به محدودیت های رویکرد نئولیبرالیسم است. در

⁹² Institutional Complementarity

جوامع توسعه‌یافته، کوچک‌سازی دولت که از شاخص‌های کلیدی آزادی بازار است، عملاً به معنی کاهش کیفیت خدمات عمومی و تضعیف لایه‌های امنیت اجتماعی تعبیر می‌شود (بگ و هنریکسون^{۹۳}، ۲۰۱۱). این نتایج اثبات می‌کند که در مرزهای توسعه، اگر آزادی بازار به قیمت فرسایش قراردادهای اجتماعی تمام شود، به اُفت شاخص‌های انسانی منجر خواهد شد. این پارادوکس حاکی از آن است که برای کشورهای توسعه‌یافته، جهانی شدن یک فرصت و آزادسازی افراطی داخلی یک تهدید محسوب می‌شود. موفقیت این کشورها در ارتقای توسعه انسانی، مرهون توازن میان بهره‌گیری از مزایای بین‌المللی و حفظ نقش حمایتی دولت در برابر پیامدهای مخرب بازارهای بی‌ثبات است. درنهایت، این تحلیل نشان می‌دهد که توسعه انسانی پایدار در قرن ۲۱، محصول تعادل میان باز بودن بین‌المللی و ثبات نهادی داخلی است؛ جایی که دولت نه به مثابه مانع، بلکه به‌عنوان مکمل بازار در صیانت از سرمایه‌های انسانی عمل می‌کند (استیگلیتز، ۲۰۱۲).

۳-۵. مدل نقش شکنندگی دولت بر توسعه انسانی

همان‌گونه که پیش‌تر تبیین شد، مدل پایه توسعه انسانی برای کشورهای توسعه‌یافته با برخورداری از اعتبار احصائیوی لازم تدوین گردید تا به‌عنوان مبنایی برای سنجش تأثیر شکنندگی دولت مورد استفاده قرار گیرد. در این مرحله، شاخص کلی دولت شکننده به همراه زیرشاخص‌های چهارگانه آن (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و انسجام دولت) به مدل پایه افزوده شده و در مجموع، پنج الگوی برآوردی حاصل می‌شود. مطابق با چارچوب نظری و الگوهای تحقیق که در قسمت معادله رگرسیون و داده‌های تحقیق تشریح گردید، نتایج حاصل از برآورد مدل کلی در جدول ذیل ارائه شده است:

⁹³ Bergh & Henrekson



جدول ۶: نتایج برآورد مدل توسعه انسانی کشورهای توسعه یافته

مدل انجم	مدل اجتماعی	مدل سیاسی	مدل اقتصادی	مدل FSI	مدل‌ها / متغیرها
۰/۹۶۸۲۹۵***	۰/۹۰۶۵۱۱***	۰/۹۰۴۰۶۹***	۰/۹۰۴۴۶۴***	۰/۹۳۲۸***	$HDI_{i,t-1}$
(۰/۰۰۲۱۱۲۰)	(۰/۰۰۱۴۱۳۷)	(۰/۰۰۱۸۰۸۴)	(۰/۰۱۴۰۲۰۲)	(۰/۰۱۳۴۶۶۶)	
۰/۰۰۲۰۷۵۱***	۰/۰۰۱۷۳۹***	۰/۰۰۲۳۲۴۵***	۰/۰۰۲۲۸۷۴***	۰/۰۰۱۹۶۰***	CL
(۰/۰۰۰۷۷۸۸)	(۰/۰۰۰۷۴۴۴)	(۰/۰۰۰۷۴۶۸)	(۰/۰۰۰۷۸۷۵)	(۰/۰۰۳۵۵۳۹)	
۰/۰۱۳۶۴۸۳***	۰/۰۱۴۹۴۵***	۰/۰۱۲۶۱۱۷***	۰/۰۱۶۸۶۶۲***	۰/۰۱۳۳۴۴۴***	EFI
(۰/۰۰۴۱۵۷۷)	(۰/۰۰۰۲۷۶۷)	(۰/۰۰۳۶۷۶۵)	(۰/۰۰۳۴۶۵۸)	(۰/۰۰۳۵۵۳۹)	
-۰/۰۰۰۱۴۸	-۰/۰۰۱۱۰۹***	-۰/۰۰۰۲۳۳۶	-۰/۰۰۱۱۶۲۴	-۰/۰۱۳۳۴۴۴	SG
(۰/۰۰۰۹۲۴۱)	(۰/۰۰۰۵۸۶۶)	(۰/۰۰۰۸۸۶۵)	(۰/۰۰۰۸۲۷۵)	(۰/۰۰۰۸۲۴۸)	
-۰/۰۰۳۳۲۵**	-۰/۰۰۴۶۶۴***	-۰/۰۰۳۶۷۹***	-۰/۰۰۵۴۶۷***	-۰/۰۰۳۴۳۹۸***	LSPR
(۰/۱۶۲)	(۰/۰۰۱۴۷۲)	(۰/۰۰۱۲۸)	(۰/۰۰۱۳۴۸۵)	(۰/۰۰۱۲۹۱۴)	
-۰/۰۰۲۸۵۴۱***	-۰/۰۰۲۷۰۷***	-۰/۰۰۲۴۸۲***	-۰/۰۰۳۲۷۴۹***	-۰/۰۰۲۷۶۸۸***	SM
(۰/۰۰۰۹۰۸۸)	(۰/۰۰۰۶۹۰)	(۰/۰۰۰۸۵۰۵)	(۰/۰۰۰۸۰۲۷)	(۰/۰۰۰۸۱۶۳)	
-۰/۰۰۲۵۲۳۴**	-۰/۰۰۳۱۲۸***	-۰/۰۰۲۳۲۱***	-۰/۰۰۳۱۸۸۴***	-۰/۰۰۲۶۳۱۱***	FTI
(۰/۰۰۱۱۳۳۳)	(۰/۰۰۰۹۸۴۲)	(۰/۰۰۱۰۸۱۶)	(۰/۰۰۱۱۷۷۹)	(۰/۰۰۱۰۴۷۷)	
-۰/۰۰۶۰۲۳۴*	-۰/۰۰۲۵۳۶۶***	-۰/۰۰۱۷۵۴۹***	-۰/۰۰۲۸۴۷۳۲***	-۰/۰۰۱۷۶۱۴۸**	KOFG
(۰/۰۰۸۲۰۱۳)	(۰/۰۰۰۸۷۴۷)	(۰/۰۰۰۹۰۲۸)	(۰/۰۰۱۰۱۹۱۲)	(۰/۰۰۰۹۲۳۵)	
۰/۰۰۵۶۸۱**	۰/۰۰۸۷۹۵**	۰/۰۰۶۱۶۶**	۰/۰۰۹۷۹۷۶**	۰/۰۰۶۲۱۳۹**	KOFEC
(۰/۰۰۲۷۳۱۹)	(۰/۰۰۰۲۹۲۲)	(۰/۰۰۰۳۰۱۱)	(۰/۰۰۳۴۰۳۵)	(۰/۰۰۳۰۷۸۱)	
۰/۰۰۵۳۷۰**	۰/۰۰۸۵۸۰۱***	۰/۰۰۵۸۸۱***	۰/۰۰۹۵۳۵۵**	۰/۰۰۵۸۸۱۷**	KOFSO
(۰/۰۰۲۷۳۱)	(۰/۰۰۲۸۹۸)	(۰/۰۰۰۳۰۴۷)	(۰/۰۰۳۳۹۱۹)	(۰/۰۰۳۰۶۷۹)	
۰/۰۰۵۴۵۵**	۰/۰۰۸۵۵۹***	۰/۰۰۵۹۴۹***	۰/۰۰۹۵۸**	۰/۰۰۵۹۸۹۷**	KOFPO
(۰/۰۰۰۵۴۵۵)	(۰/۰۰۰۲۹۲۳)	(۰/۰۰۰۳۰۳۰)	(۰/۰۰۳۴۰۲۹)	(۰/۰۰۳۰۹۴۵)	
-	-	-	-	-۰/۰۰۰۳۲۳۷***	FSI
				(۰/۰۰۰۶۸۴)	
-	-	-	-۰/۰۰۰۲۷۷۱**	-	ECSI
			(۰/۰۰۰۱۵۶)		
-	-	-۰/۰۰۰۵۴۸***	-	-	SESI
		(۰/۰۰۰۴۰۳)			
-	-۰/۰۰۰۷۸۰***	-	-	-	SOSI
	(۰/۰۰۰۱۷۱۶)				



معیارهای تشخیص مدل						
-۰/۰۰۰۱۸۲۷)	-	-	-	-	-	COSI
-۴/۴۴۲***	-۴/۴۰۳***	-۴/۴۳۴***	-۴/۵۰۷***	-۴/۴۳۸***	AR (۱)	آزمون همبستگی
-۱/۳۲۰	-۱/۴۵۴	-۱/۱۵۶	-۱/۴۵۵	-۱/۲۸۱	AR (۲)	سریالی آرلانو-باند
۳۲/۷۵۱	۳۲/۷۱۰	۳۱/۶۸۸	۳۰/۳۱۸۶	۳۳/۴۹۲		مقدار آماره
۰/۱۰۲	۰/۴۰۱	۰/۱۲۵	۰/۲۵۵	۰/۴۲۳		سطح احتمال
۳۶						تعداد کشورها
۵۰۴						تعداد مشاهدات

توضیح: **، * و ° به ترتیب معنی داری در سطح ۰.۱، ۰.۰۵ و ۱۰ درصد را نشان می دهند و اعداد داخل قوس نشان دهنده انحراف معیار است.

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس یافته‌های مندرج در جدول فوق، در تمامی مدل‌های پنج گانه، ضریب متغیر وقفه شاخص توسعه انسانی مثبت و در سطح ۱ فیصد کاملاً معنی دار است. این امر نشان دهنده پایداری^{۹۴} بسیار بالای توسعه انسانی در ۳۶ کشور توسعه یافته مورد مطالعه است. ضریب فراتر از ۰/۹۶ در مدل اجتماعی شکنندگی دولت، حاکی از آن است که انباشت سرمایه انسانی و ارتقای استانداردهای زندگی در ادوار گذشته، پیشران اصلی ثبات در دوره جاری محسوب می شود. در واقع، کشورهای پیشرفته با بنا نهادن ساختارهای نهادی مستحکم، مانع از سقوط در دام شکنندگی می شوند. با این حال، بالا بودن ضریب اینرسی بر این واقعیت تأکید دارد که شکنندگی دولت در این جوامع، نه به صورت فروپاشی بی درنگ، بلکه در قالب یک فرسایش تدریجی عمل کرده و در بلندمدت تضعیف استانداردهای زندگی را در پی خواهد داشت.

⁹⁴ Persistence



شاخص کلی دولت شکننده (FSI) با ضریب $0.3237/0-$ و سطح معنی داری ۱ فیصد، مبین آن است که در کشورهای توسعه یافته، افزایش شکنندگی به کاهش معنی دار توسعه انسانی می انجامد. برخلاف کشورهای در حال توسعه که شکنندگی غالباً ناشی از منازعات سخت است، در جوامع پیشرفته این پدیده عمدتاً از مجرای قطبی شدن سیاسی و نابرابری های اقتصادی اثرگذار است. در این راستا، شاخص شکنندگی اقتصادی (ECSI) با ضریب $0.2771/0-$ بر توسعه انسانی اثر منفی و معنی دار دارد؛ شکنندگی در این بُعد معمولاً با بحران های بدهی یا بی ثباتی در بازارهای مالی تبیین می شود. دقت بالاتر اثرگذاری این شاخص نسبت به شاخص کلی، گویای تخصصی بودن پیوند میان متغیرهای اقتصادی و رفاه انسانی در این بلوک از کشورهاست.

در بخش سیاسی، شاخص شکنندگی سیاسی با ضریب $0.0548/0-$ و سطح معنی داری ۱ فیصد نشان می دهد که تزلزل در این حوزه به کاهش سطح رفاه منجر می شود. شکنندگی سیاسی در کشورهای توسعه یافته نه به معنی اضمحلال حاکمیت، بلکه ناظر بر بن بست های قانون گذاری و فرسایش اعتماد عمومی به نهادهاست که در نهایت به افزایش هزینه های مبادلاتی می انجامد. همچنین، شاخص شکنندگی اجتماعی (SOSI) با ضریب $0.0780/0-$ و سطح معنی داری ۱ فیصد حاکی از آن است که گسست های اجتماعی ناشی از شکاف نسلی، سالمندی جمعیت و چالش های ادغام مهاجران، تهدیدی جدی تر از نوسانات سیاسی معمول برای ثبات بلندمدت محسوب می شوند. در نهایت، شاخص شکنندگی انسجام (COSI) با ضریب $0.4197/0-$ و سطح معنی داری ۵ فیصد، بزرگترین ضریب منفی را به خود اختصاص داده که نشان می دهد فقدان انسجام، کلیدی ترین عامل بازدارنده در مسیر توسعه انسانی این کشورهاست.



در خصوص متغیرهای نهادی، آزادی‌های مدنی (CL) در تمامی مدل‌ها با ضریب مثبت (بین ۰/۰۱۷ تا ۰/۰۲۳) و سطح معنی‌داری ۱ فیصد، مؤید این واقعیت است که مشارکت مؤثر نخبگان و جامعه مدنی، موتور محرک بهبود توسعه انسانی حتی در پیشرفته‌ترین جوامع است. آزادی اقتصادی (EFI) نیز با ضریب مثبت (بین ۰/۰۱۲ تا ۰/۰۱۶) به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده عمل می‌کند؛ بدین معنی که رقابتی بودن بازارها، اثرات مخرب شکنندگی‌های سیاسی و اجتماعی را تخلیه می‌نماید.

با این حال، نتایج مربوط به اندازه دولت (SG) و نظام حقوقی و امنیت حقوق مالکیت (LSPR) با ضرایب منفی، در نگاه نخست پارادوکسیکال به نظر می‌رسند. در تحلیل‌های نهادی سطح بالا، این وضعیت تحت عنوان تصلب نهادی^{۹۵} تعبیر می‌شود؛ بدین معنی که حمایت صلب از ساختارهای مالکیت قدیمی ممکن است مانع از تخریب خلاق^{۹۶} و نوآوری‌های جدید شده و در کوتاه‌مدت اثر معکوس بر رشد داشته باشد. همچنین ضریب منفی و معنی‌دار پول سالم (SM) نشان می‌دهد که بی‌ثباتی پولی و تورم (حتی در سطوح پایین) به دلیل دست‌مزدهای صلب، قدرت خرید واقعی را کاهش داده و بودجه‌های حمایتی در بخش صحت و تعلیم و تربیه را فرسایش می‌دهد (گوارتنی و همکاران، ۲۰۲۱).

در حوزه بین‌الملل، ضریب منفی آزادی تجارت (FTI) حاکی از آن است که محدودیت‌های تجاری و جناحی شدن سیاست‌های تجاری، مانع ارتقای رفاه می‌شود؛ چراکه این کشورها برای حفظ استانداردهای خود به زنجیره‌های تأمین جهانی وابسته‌اند (عجم‌اوغلو همکاران، ۲۰۱۹). درنهایت، پارادوکس موجود در

^{۹۵} (Institutional Rigidity) به وضعیتی گفته می‌شود که در آن نهادها، قوانین، مقررات و رویه‌های سازمانی یا حکومتی انعطاف‌پذیری لازم برای سازگاری با شرایط جدید ندارند و در برابر اصلاح، نوآوری و تغییر مقاومت می‌کند.

^{۹۶} Creative Destruction



شاخص‌های جهانی شدن ضریب منفی بین ۰/۰۱۷۰۰ تا ۰/۰۶۰۰- در حضور شکنندگی نگاه خوش‌بینانه مطلق به این پدیده را به چالش می‌کشد. همان‌گونه که هلپمن^{۹۷} ۲۰۲۴ تبیین می‌کند، جهانی شدن در کشورهای توسعه‌یافته ممکن است به قطبی شدن دستمزدها و فشارهای ساختاری بر استانداردهای رفاهی منجر شود که تبیین‌کننده و آگرایی میان باز بودن اقتصاد و بهبود شاخص‌های انسانی در جوامع OECD است.

۶. نتیجه‌گیری تحقیق

تحقیق حاضر با هدف تبیین پیوندهای پیچیده میان شکنندگی دولت و شاخص توسعه انسانی در ۳۶ کشور توسعه‌یافته، رهیافتی نوین در تحلیل‌های نهادی ارائه نموده است. یافته‌های حاصل از تخمین الگوهای پنج‌گانه، تصویری متمایز از پویایی‌های رفاه در جوامع پیشرفته را ترسیم می‌کند که با الگوهای متعارف در سایر کشورها تفاوت ماهوی دارد. نتایج کلیدی مدل مبین آن است که ضریب متغیر وقفه توسعه انسانی در تمامی مدل‌های تصریح شده، مثبت و در سطح یک فیصد کاملاً معنی‌دار می‌باشد. این سطح بالا از پایداری نشان‌دهنده آن است که انباشت سرمایه انسانی و زیرساخت‌های رفاهی در این بلوک از کشورها، ماهیتی نهادینه یافته و در برابر تکان‌های کوتاه مدت مقاومت می‌ورزند. در واقع، ساختارهای مستحکم در این جوامع مانع از سقوط آنی در دام شکنندگی می‌شوند؛ با این حال، بالا بودن این ضریب اینرسی هشدار می‌دهد که فرسایش استانداردهای زندگی در این جوامع، نه به صورت فروپاشی بی‌درنگ، بلکه در قالب یک تخریب تدریجی و فرسایش بلندمدت تبارز خواهد کرد.

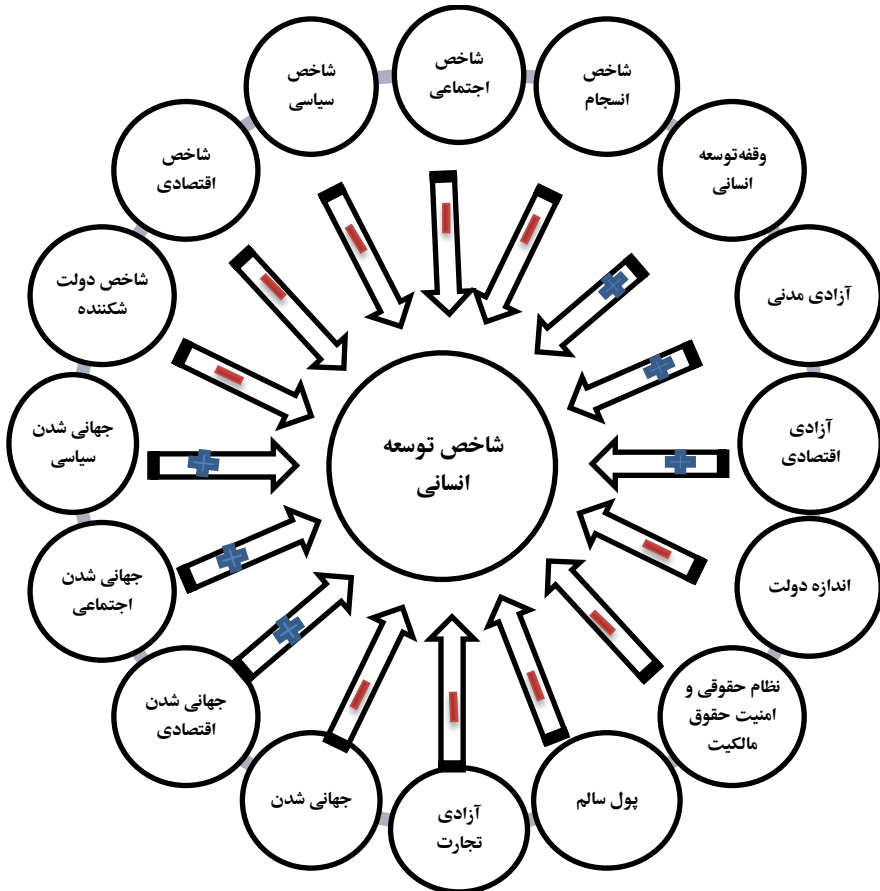
علیرغم پایداری مذکور، تحلیل تفکیکی زیرشاخص‌های شکنندگی حاکی از وجود گسست‌های جدی در لایه‌های پنهان این جوامع است. شاخص شکنندگی

⁹⁷ Kaplan



انسجام با اختصاص بزرگترین ضریب منفی، نشان می‌دهد که فقدان انسجام اجتماعی و تعمیق شکاف‌های درونی، کلیدی‌ترین عامل بازدارنده در مسیر تعالی شاخص‌های انسانی محسوب می‌شود. در تقابل باثبات ظاهری، شکنندگی اقتصادی نیز از مجرای بحران‌های بدهی و بی‌ثباتی در بازارهای مالی، مستقیماً رفاه انسانی را با تهدید مواجه می‌سازد. علاوه بر این، شکنندگی در ابعاد سیاسی و اجتماعی، در قالب بن‌بست‌های قانون‌گذاری و فرسایش اعتماد عمومی بازتعریف شده که نهایتاً منجر به افزایش هزینه‌های مبادلاتی توسعه می‌گردد.

با این حال، مشکلات نهادی تنها به ابعاد شکنندگی محدود نگشته و در لایه‌های ساختاری نیز تداوم می‌یابد؛ چنان‌که ضرایب منفی متغیرهای نظام حقوقی و امنیت حقوق مالیکت و اندازه دولت، بیانگر پدیده تصلب نهادی در این کشورهاست. این وضعیت نشان می‌دهد که حمایت صلب از ساختارهای قدیمی مالکیت، مانع از تخریب خلاق شده و اثر معکوس بر رشد بر جای می‌گذارد. مطابق با این بن‌بست‌های ساختاری، ضرایب منفی شاخص‌های جهانی شدن در حضور شکنندگی، نگاه خوش‌بینانه مطلق به این پدیده را به چالش می‌کشد؛ چرا که باز بودن اقتصاد در غیاب ثبات نهادی، به قطبی شدن دستمزدها و فشارهای ساختاری بر استانداردهای رفاهی منتهی شده است. نتایج بدست آمده از تصریح و تخمین مدل توسعه انسانی کشورهای توسعه‌یافته در نمودار زیر به صورت خلاصه ارائه شده است:



شکل ۲: نقش شکنندگی دولت و دیگر عوامل بر توسعه انسانی کشورهای توسعه یافته
منبع: یافته‌های تحقیق



منابع

- طهماسبی، جواد. (۱۳۹۱). *شاخص توسعه انسانی و مقام ایران در جای گاه جهانی*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- عباس زاده فتح آبادی، مهدی و منصوره، منصوره. (۱۳۹۸). *تأثیر دولت شکننده عراق بر امنیت زیست محیطی جمهوری اسلامی ایران*. فصلنامه علمی سیاست جهانی، ۸ (۲)، ۲۹۱-۳۲۲.
- عابدیان، شهربانو، نعیمی، منیژه و شکوهی فرد، حسین. (۱۳۹۷). *نقش دولت در جلب حمایت های مردمی برای تأمین منابع مالی آموزش همگانی و تربیت نیروی انسانی*. کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی اجتماعی، (۱۲).
- کرانی، زهرا، قنبری سلحشور، محمدرضا و نصر- اصفهانی، محسن. (۱۴۰۲). *تحلیل جامعه شناسی از تأثیر دولت های شکننده بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر نظریه لوسین پای مطالعه موردی: عراق و سوریه*. فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۴ (۴)، ۱۱۹-۱۳۹.
- موسوی نیا، سید رضا. (۱۳۹۰). *خاورمیانه و چالش دولت های ور شکسته از دیدگاه امنیت بین الملل*. فصلنامه سیاسی- اقتصادی، ۲۸۳ (۱)، ۲۲-۳۹.
- مظفرزاده، فتح اله، عزیززاده، رضا و وزیر، غلام حسین. (۱۳۹۱). *مقایسه توسعه انسانی در ایران و کشورهای منطقه (بر اساس گزارش توسعه انسانی سازمان ملل سال ۲۰۱۱)*. نشریه صنعت و دانشگاه، ۵ (۱۵ و ۱۶)، ۲۴-۱۳.
- نوری نائینی، محمد سعید، قاسمی، حسام الدین و سادات کاظمی تربقان، مریم. (۱۳۹۵). *بررسی عوامل مؤثر بر شاخص توسعه انسانی در ایران با استفاده از رویکرد میانگین گیری بیزی*. پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، ۸ (۲۹)، ۴۵-۶۰.
- هاشمی دیزج، عبدالرحیم، داوری کیش، راضیه و جعفری، مهدی. (۱۴۰۱). *تأثیر شکنندگی اقتصادی از کانال حکمرانی بر راه اندازی کسب و کارهای جدید*. نظریه های کاربردی اقتصاد، ۹ (۱)، ۵۷-۹۰.
- Amate-Fortes, I., Guarnido-Rueda, A., & Molina-Morales, A. (2017). Economic and social determinants of human development: A new perspective. *Social Indicators Research*, 133(2), 561–577.
- Amorós, J. E., Ciravegna, L., Mandakovic, V., & Stenholm, P. (2019). Necessity or opportunity? The effects of state fragility and economic development



- on entrepreneurial efforts. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 43(4), 725–750.
- Akçay, S. (2006). Corruption and human development. *Cato Journal*, 26(1), 29–46.
- Becherair, A., & Tahtane, M. (2017). The causality between corruption and human development in MENA countries: A panel data analysis. *East–West Journal of Economics and Business*, 20(2).
- Boege, V., Brown, A., Clements, K., & Nolan, A. (2008). *On hybrid political orders and emerging states: What is failing—States in the global South or research and politics in the West?* Research Center for Constructive Conflict Management.
- Bergh, A., & Henrekson, M. (2011). Government size and growth: A survey and interpretation of the evidence. *Journal of Economic Surveys*, 25(5), 872–897.
- Brinkerhoff, D. W. (2014). State fragility and failure as wicked problems: Beyond naming and taming. *Third World Quarterly*, 35(2), 333–344.
- Cole, J. H. (2003). Contribution of economic freedom to world economic growth, 1980–1999. *Cato Journal*, 23, 189–198.
- Carment, D., Landry, J., Samy, Y., & Scott, S. (2015). Towards a theory of fragile state transitions: Evidence from Yemen, Bangladesh and Laos. *Third World Quarterly*, 36(7), 1316–1332.
- Dreher, A. (2006). Does globalization affect growth? Evidence from a new index of globalization. *Applied Economics*, 38(10), 1091–1110. <https://doi.org/10.1080/00036840500392078>
- Dimitrova, A., & Triki, D. (2018). Does state fragility matter for foreign direct investment? Evidence from Southern and Eastern Mediterranean countries. *Management Decision*, 56(8), 1787–1803.
- Dorf, R. (2005). Failed states after 9/11: What did we know and what have we learned? *International Studies Review*, 6(1), 20–34.
- Easterly, W. (2007). Inequality does cause underdevelopment: Insights from a new instrument. *Journal of Development Economics*, 84(2), 755–776.
- Fund for Peace. (2023). *Fragile States Index methodology handbook*. Fund for Peace.
- Fund for Peace. (2006–2020). *Fragile States Index*. Fund for Peace. <https://fundforpeace.org/fsi/>
- Fukuda-Parr, S. (2003). The human development paradigm: Operationalizing Sen's ideas on capabilities. *Feminist Economics*, 9(2–3), 301–317.
- Freedom House. (2024). *Freedom in the world 2024: The mounting damage of flawed elections and armed conflict*. Freedom House. <https://freedomhouse.org/report/freedom-world>
- Freedom House. (2024). *Methodology: Freedom in the world*. Freedom House. <https://freedomhouse.org/reports/freedom-world/freedom-world-research-methodology>
- Fraser Institute. (2024). *Economic freedom of the world: 2024 annual report*. Fraser Institute. <https://www.fraserinstitute.org/economic-freedom>



- Grootaert, C. (1997). The determinants of poverty in Côte d'Ivoire in the 1980s. *Journal of African Economies*, 6(2), 169–196.
- Gravingholt, J., Ziaja, S., & Kreibaum, M. (2015). Disaggregating state fragility: A method to establish a multidimensional empirical typology. *Third World Quarterly*, 36(7), 1281–1298. <https://doi.org/10.1080/01436597.2015.1038340>
- Grose, J. (1996). Toward a taxonomy of failed states in the new world order. *Third World Quarterly*, 17(3), 455–472.
- Gwartney, J., Lawson, R., Hall, J., & Murphy, R. (2021). *Economic freedom of the world: 2021 annual report*. Fraser Institute.
- Gastil, R. D. (1991). The comparative survey of freedom: Experiences and suggestions. *Studies in Comparative International Development*, 26(1), 25–50.
- Gygli, S., Haelg, F., Potrafke, N., & Sturm, J. E. (2019). The KOF Globalisation Index revisited. *The Review of International Organizations*, 14(3), 543–574. <https://doi.org/10.1007/s11558-019-09344-2>
- Helpman, E. (2024). *Globalization and inequality: New perspectives*. Harvard University Press.
- Huggins, J. (2005). Democracy, governance and service delivery—Beyond ATSIIC. *Impact*, Summer, 5.
- Institute for Economics and Peace. (2024). *The impact of economic freedom on global stability*. IEP.
- Jain, M., Sharma, G. D., & Mahendru, M. (2019). Can I sustain my happiness? A review, critique and research agenda for economics of happiness. *Sustainability*, 11(22), 6375.
- Kaplan, S. (2009). Identity in fragile states: Social cohesion and state building. *Development*, 52(4), 466–472.
- KOF Swiss Economic Institute. (2024). *KOF Globalisation Index: Methodology and indicators*. ETH Zurich. <https://kof.ethz.ch>
- KOF Swiss Economic Institute. (2024). *KOF Globalisation Index: 2024 annual report*. ETH Zurich.
- Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2010). *The worldwide governance indicators: Methodology and analytical issues* (Policy Research Working Paper No. 5430). World Bank.
- Kaufmann, D., & Kraay, A. (2023). *Worldwide Governance Indicators (WGI) project*. World Bank Group. <https://info.worldbank.org/governance/wgi>
- Lemay-Hébert, N., & Mathieu, X. (2014). The OECD's discourse on fragile states. *Third World Quarterly*, 35(2), 232–251.
- Löfström, A. (2022). *A fatigued state: Exploring the fragilities of Afghanistan*. Swedish Institute of International Affairs.
- Mair, S. (2008). A new approach: The need to focus on failing states. *Harvard International Review*, 29(4), 52.
- Marshall, M. G., & Cole, B. R. (2009). *Global report 2009: Conflict, governance, and state fragility*. Center for Systemic Peace.



- Muggah, R. (2017). The rise of citizen security in Latin America and the Caribbean. In *Alternative pathways to sustainable development* (pp. 291–322). Brill Nijhoff.
- Nginyu, G. (2015). *The effects of political instability and corruption on human development in Sub-Saharan Africa* (Master's thesis). Dechang School of Economics.
- OECD. (2016). *States of fragility framework*. OECD Publishing.
- UNDP. (1990). *Human development report*. United Nations Development Programme.
- UNDP. (2001). *Human development report*. United Nations Development Programme.
- United Nations. (2024). *World Economic Situation and Prospects 2024*. Department of Economic and Social Affairs.
- UNDP. (2006). *Human development report*. United Nations Development Programme.
- UNDP. (2010). *Human development report*. United Nations Development Programme.
- UNDP. (2021). *Human development report*. United Nations Development Programme.
- Peterson, S. A. (2017). Health status, nutrition and fragile states. *Review of Policy*, 104, 57–71. <https://doi.org/10.15804/rop2021104>
- Putnam, R. D. (1993). The prosperous community. *The American Prospect*, 4(13), 35–42.
- Repucci, S., & Slipowitz, A. (2022). *Democracy in retreat: Freedom in the world 2022*. Rowman & Littlefield.
- Stiglitz, J. E. (2012). *The price of inequality*. W. W. Norton & Company.
- Savina, A., Gygli, S., & Sturm, J. E. (2023). *Understanding social globalization through KOF indicators* (Working Paper). KOF Swiss Economic Institute.
- Sachs, J. D. (2003). The strategic significance of global inequality. *Environmental Change and Security Project Report*, 9, 27–35.
- Statista. (2024). *Most economically free countries worldwide in 2024*. Statista.
- Wagner, R. E. (1976). Revenue structure, fiscal illusion, and budgetary choice. *Public Choice*, 25(1), 45–61.
- World Bank. (2020). *Fragility and conflict: On the front line of the fight against poverty*. World Bank Publications.
- World Bank. (2023). *Governance and the law: Worldwide Governance Indicators report*. World Bank.
- World Bank. (2024). *WGI interactive data: Country reports 1996–2024*. World Bank. <https://info.worldbank.org/governance/wgi/>